

رَبِّهِمْ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



ندای حق؛ درس‌هایی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام)

نویسنده: جواد محدثی

طراح جلد و صفحه‌آرا: انسیه غلامرضا پور

ناشر: ناشر رضوی (وابسته به معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی)

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی هنری قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۹۷۴-۶۹-۳

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، باب‌الهادی (علیه السلام)،

طبقه دوم، اداره تأمین و توزیع محصولات فرهنگی

کد پستی: ۹۱۳۴۸۴۳۱۷۶

تلفن: ۵۱-۳۲۰۳۴۶۴

@Nashr_zaerrazavi

حق چاپ محفوظ است.

ندای حق

درس‌هایی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام



فهرست

۵	 مقدمه
۷	 ۱. توحید و نبوت
۸	 ۲. قرآن منشور آسمانی
۹	 ۳. فلسفه احکام
۱۱	 ۴. شناسنامه حضرت فاطمه علیها السلام
۱۳	 ۵. جاهلیت پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۵	 ۶. فدک و مسئله ارث
۱۷	 ۷. چرا سکوت و بی اعتنایی؟
۲۰	 ۸. پاسخ خلیفه و جواب حضرت فاطمه علیها السلام
۲۲	 ۹. توبیخ مهاجران و انصار
۲۴	 ۱۰. درد دل با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۶	 مسابقه فرهنگی

قصه خطبه فدکیه از این قرار است:

پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ، کسانی توطئه کردند و با کنارزدن امیرالمؤمنین (علیه السلام) از حق مسلمش، خلافت را غصب کردند و بر اهل بیت (علیهم السلام) ستم‌ها کردند. یکی از آن جفاها، غصب فدک بود. فدک باغ پرمحصولی بود در منطقه یهودی‌نشین خیبر که پیامبر ﷺ آن را به فرمان خداوند، به حضرت زهرا (علیها السلام) بخشید. ایشان نیز عایدات فدک را صرف نیازمندان می‌کرد. مأموران دستگاه خلافت، آن را غصب کرده و کارگران فاطمه زهرا (علیها السلام) را بیرون کردند تا ضربه‌ای اقتصادی به اهل بیت (علیهم السلام) و پایگاه مردمی آنان بزنند.

حضرت زهرا (علیها السلام) در اعتراض به این تصرف عدوانی و دادخواهی از حق خود، بارها با هیئت حاکمه صحبت و احتجاج کرد؛ اما تأثیری نداشت. ناچار شد برای احقاق حق خود، در یک سخنرانی عمومی در حضور مسلمانان، به تحلیل و نقد این حوادث بپردازد و اعتراض خود را به غصب و محروم کردن او از ارث پدر که مخالف آیات صریح قرآن بود، بیان کند. در واقع نطق او محاکمه دستگاه خلافت بود.

حضرت همراه جمعی از بانوان اهل بیت و خویشاوندان به مسجد پیامبر ﷺ رفت و از پشت پرده، با صدایی رسا و تأثیرگذار و غم‌انگیز، خطبه‌ای فصیح و بلیغ و جامع خواند و عملکرد خلیفه را به چالش کشید. این خطبه مفصل و

اعجازگونه که ابعاد گوناگونی از معارف قرآنی را هم در بر دارد، بارها از سوی بزرگان شرح شده است. مطالب آن، سند مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و جفای امت در حق ذریه رسول صلی الله علیه و آله و سلم و نادیده گرفتن توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ اما چون انگیزه ایراد خطبه اعتراض به غصب فدک بود، به «خطبه فدک» معروف شد.

حضرت ایشان سخنان خود را با حمد و شکر الهی آغاز کرد و مطالبی درباره توحید، معاد، رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زحمات و خدمات او، معارفی بلند درباره قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام، اعتراض به غصب خلافت و سکوت و بی‌اعتنایی مردم، فلسفه تشریع احکام، علت سقوط اخلاقی و بی‌تعهدی امت، پیام‌های شوم دنیازدگی و رفاه‌طلبی، ریشه قرآنی ارث‌بردن فرزندان از پدران، نقد رفتار و عملکرد خلیفه در تصرف فدک و... بیان کرد. این خطبه فقط اعتراض به غصب فدک به عنوان قطعه زمین و باغ نبود، بلکه اعتراض به سیاست‌های غلط هیئت حاکمه و پشت‌پازدن به احکام الهی و سنت‌های قطعی دین و بی‌اعتنایی مردم به ظلم و حق‌کشی بود.

بسیاری از دوستان اهل بیت علیهم السلام مشتاق‌اند که بدانند فاطمه زهرا علیها السلام در آن سخنرانی اعتراض آمیز چه نکاتی بیان فرمود. تبیین همه معارف آن سخنان پرشور و عمیق و دردمندانه، کتابی مفصل می‌شود. همچنان که اشاره شد، بزرگان به تفسیر و شرح آن پرداخته‌اند و در دسترس مردم است؛ اما در حد اختصار، در این جزوه به برخی از نکات آن اشاره می‌شود.



الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ...



حضرت زهرا علیها السلام در ابتدا، خدا را برای نعمت‌هایش سپاس گفت و به یکتایی خدای بی‌همتا شهادت داد؛ سپس به رسالت و نبوت پدرش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، گواهی داد و فلسفه بعثت او و انبیای دیگر را بیان کرد که هدایت مردم از بت‌پرستی به خداپرستی بود و نقش هدایتی و روشنگری آن حضرت را در اصل جاهلیت روشن ساخت که مردم را از آن کوردلی و بداندیشی و گمراهی نجات دادند. سپس فرمود چون عمر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم سر آمد، خداوند او را به سوی خودش برد و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از رنج و سختی این دنیا آسود و به رضوان الهی رسید. حضرت زهرا علیها السلام درود خدا را بر پدرش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، آن امین پروردگار و برگزیده لایق‌تر از همه فرستاد.

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصَبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ وَ
أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ...



سپس حضرت زهرا علیها السلام سخنان خود را این چنین ادامه دادند:

شما ای بندگان خدا، مخاطب پروردگار در امر و نهی او و حاملان دین خدا و وحی الهی هستید. شما امینان خدا بر خودتان و سفیران الهی به سوی سایر امت‌هایید. عهد و میثاق الهی به سوی شما نازل شده است؛ یعنی کتاب گویای خدا و قرآن صادق که نور فروزان است، با دلایلی روشن و فروغی تابان. این منشور آسمانی جایگاهی والا دارد. پیروی از قرآن به رضای الهی می‌رساند و حرف شنوی از کلام الهی نجات می‌بخشد. به وسیله قرآن، به حجت‌های الهی می‌توان رسید و با حلال و حرام خدا، با برهان‌های آسمانی آشنا شد. قرآن واجبات و مستحبات و احکام شریعت را بیان کرده است.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةِ
تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ...



بانوی دو عالم، حضرت زهرا علیها السلام، در ادامه سخنان آگاهی بخش خود فرمودند:

خداوند ایمان را واجب قرار داد تا شما را از شرک پاک کند. نماز را برای آنکه شما را از کبر منزّه و پاکیزه سازد و زکات را برای پاک سازی و رشد روحی و برای رشد رزق و روزی واجب کرد و روزه را برای تثبیت اخلاص در عمل و حج را برای تقویت استواری دین و عدالت را برای هم بستگی و همدلی انسان ها و اطاعت از ما را برای سامان بخشی به جامعه و امامت و رهبری را برای ایمنی از تفرقه و جدایی و جهاد را برای عزت و شکست ناپذیری اسلام و صبر را برای کمک به برخورداری از پاداش الهی و امر به معروف را برای مصلحت عمومی جامعه و نیکی به پدر و مادر را برای پیشگیری از خشم الهی و صلّه رحم را برای طول عمر و به تأخیر افتادن اجل و قصاص را برای حفظ خون های ریخته شده و وفای به نذر را برای آنکه در معرض مغفرت خدا قرار بگیرید و

درستی کیل‌ها و وزنه و ترازو را تا زیانی به کسی نرسد و نهی از شراب‌خواری را برای پاک‌بودن از پلیدی و پرهیز از تهمت ناروا را برای بازداشتن از لعنت و ترک سرقت را برای رسیدن به عفت و پاکی قرار داد و شرک را حرام کرد تا خالصانه هویت پروردگار را بپذیرید؛ پس آن‌گونه که شایسته است، از خدا پروا کنید و جز مسلمان نمیرید و خدا را اطاعت کنید در آنچه امر و نهی کرده است.

أَيُّهَا النَّاسُ! اْعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٌ أَقُولُ عَوْدًا وَ
بَدْءًا وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطًا...



در بخش دیگر، حضرت زهرا علیها السلام برای بیدار کردن وجدان‌های خفته، به جایگاه خود، به‌عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر علی علیه السلام و وارث فضیلت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند و از نقش تاریخ‌ساز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید، با این تعبیرات:

ای مردم، بدانید که من فاطمه‌ام، پدرم محمد است، حرف اول و آخرم یکی است، نه آنچه می‌گویم غلط است و نه رفتارم بیهوده و بی‌حساب.

ایشان پس از خواندن آیه‌ای در صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادامه داد:

اگر این پیامبر را خوب بشناسید، خواهید دید که او پدر من است، نه پدر زنان شما، برادر پسرعموی من، علی علیه السلام، است، نه برادر مردانتان و چه انتساب خوبی است. آن حضرت رسالت خود را آشکارا انجام داد، انذار کرد، با مشرکان درافتاد، بساط بت‌پرستی را برچید، حق

را خالص و بی پرده نشان داد، با حکمت و موعظه ارشاد کرد تا آنجا که مشرکان شکست خوردند و صبح حقیقت آشکار شد. او زبان گویای حق بود که بر یاهوهای شیطان صفتان منافق خط بطلان کشید. شما بر لب پرتگاه آتش بودید، اخلاقتان جاهلی بود، زیر قدم های قدرت ها له می شدید، آب گندیده می خوردید، خفیف و خوار بودید، می ترسیدید قدرتمندان شما را بدزدند و از بین ببرند و هیچ پناهی نداشتید؛ ولی خداوند به برکت وجود محمد ﷺ شما را نجات داد، شاخ سرکردگان کفر و طغیانگران یهود و نصارا و دندان گرگ های عرب را شکست و هر چه آتش افروزی کردند، خدا خاموش کرد، هر چه توطئه کردند و برای ضربه زدن به اسلام متحد شدند، پیامبر خدا ﷺ برادرش علی (ع) را برای سرکوبی توطئه گران فرستاد. علی در راه خدا، جهادگری بزرگ بود، در میان اولیای الهی سرورشان بود، شما در رفاه زندگی تان بودید و او کمر همت برای جهاد در راه خدا بسته بود و در راه خدا، از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسید؛ درحالی که شماها دنبال فرصت می گشتید و از پیکار می گریختید.

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ
فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ وَسَمَلٌ جَلْبَابُ الدِّينِ...



در این فراز از خطبه، حضرت فاطمه علیها السلام از زنده شدن دوبارهٔ خصلت‌های جاهلی و بروز نفاق پنهان در دل‌ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن می‌گوید که از آن به «رجعت جاهلیت» تعبیر می‌کند. می‌فرماید:

چون خداوند برای پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم سرای پیامبران و جایگاه برگزیدگانش را انتخاب کرد و او را نزد خویش برد، کینه‌های ناشی از نفاق سرکشید و خود را نشان داد، جامه و پوشش دین را که بر تن داشتید، فرسوده و کهنه شد، خشم‌های فروخوردهٔ گمراهان به سخن درآمد، فرومایگان سر برآوردند و پیروان باطل به صدا درآمدند، شیطان که کنار زده شده بود، از کمینگاه خود سر برآورد و شما را فراخواند و شما چه زود دعوتش را اجابت کردید. [شیطان] شما را صدا زد و چه سریع و سبکبال

به سویش پرکشیدید، شما را تحریک کرد و دید که خشمگین هستید. شما به بیراهه افتادید و چه زود پذیرای دعوت منافقان شده و جذب توطئه‌گران شدید.

در حالی که چیزی از رحلت پیامبر ﷺ نگذشته، زخم‌ها هنوز خوب نشده و پیامبر ﷺ هنوز به خاک سپرده نشده بود، فتنه کردید و در فتنه افتادید. هیهات! چرا این‌گونه شدید؟ کجا می‌روید؟ قرآن هنوز در میان شما هست. احکامش روشن و نشانه‌هایش آشکار و اوامر و نواهی آن معلوم است؛ ولی شما قرآن را پشت گوش انداختید و فرمان روشن پیامبر ﷺ را از یاد بردید. آیا از دین و خدا برگشته‌اید؟ آیا دنبال حکمی غیر از حکم خدا هستید؟ چیزی نگذشته که شما آتش فتنه را برافروختید و شعله‌ور کردید و به فراخوان شیطان لبیک گفتید تا نور درخشان دین را خاموش کنید و سنت‌های پیامبر ﷺ را تعطیل کنید و در نهان و آشکار، با خاندانش دشمنی کردید. اکنون می‌پندارید که ما از او ارث نمی‌بریم! آیا در پی قانون دوران جاهلیت هستید؟ آیا نمی‌دانید؟ البته برایتان مثل روز، روشن است که من دختر پیامبرم!

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبُ عَلَى ارْثِي؟ يَا بَنَ ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ
اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا ارِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئاً فَرِيّاً...



در این قسمت، حضرت زهرا علیها السلام شخص خلیفه را خطاب کرد و در حضور مسلمانان، ادعای او را که می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: «ما پیامبران درهم و دینار به ارث نمی گذاریم» رد کرد و با استناد به آیات قرآن، درباره ارث بردن فرزندان از پدران و اشاره به ارث بردن سلیمان علیه السلام از داوود علیه السلام و یحیی علیه السلام از زکریا علیه السلام و آیات مربوط به ارث دختران و پسران چنین فرمود:

ای مسلمانان، آیا ارث مرا از من می گیرند؟!
ای پسر ابوقحافه، آیا در قرآن است که تو
از پدرت ارث ببری و من وارث پدرم نباشم؟
چه تهمت ناروایی! شما می پندارید که من از
میراث پدرم سهمی نمی برم؟! و فکر می کنید
میان من و او خویشاوندی نیست؟! آیا درباره
شما آیه ویژه ای نازل شده؟ یا می گویند که
اهل دو دین از هم ارث نمی برند؟ آیا مگر من

و پدرم اهل یک دین و آیین نیستیم؟! یا که
شما از پدرم و پسرعمویم قرآن شناس ترید؟
پس زمام کار را بگیرید و آنچه دلتان
می‌خواهد بکنید، روز قیامتی هم هست که
داور آن خداست. وعده ما با شما، قیامت.
در آن روز، اهل باطل زیان می‌کنند و آن
روز پشیمانی شما سودی ندارد. به‌زودی
خواهید دید که عذاب الهی دامن‌گیر چه
کسانی می‌شود و کیفر خدا و عذاب ابدی
خوارشان می‌کند.

۷. چرا سکوت و بی‌اعتنائی؟

يَا مَعَاشِرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا
هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسِّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟



حضرت زهرا عليها السلام پس از سخنانش با خلیفه، رو به مسلمانان حاضر کرد و از آنان به خاطر سکوت و بی‌اعتنائی‌شان به این حق‌کشی و ظلم و فراموش کردن سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره حفظ حرمت خاندانش، چنین گله و انتقاد کرده و آنان را در دادگاه وجدانشان محکوم کرد:

و اما شما ای بزرگ‌مردان، ای بازوهای ملت و دین و ای نگهبانان اسلام، این چه کوتاهی و سستی در حق من است که دارید؟ این چه خواب‌آلودگی در برابر مظلومیت من است؟ مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نفرموده که احترام هر کس، حفظ حرمت فرزندان اوست؟ چه زود به بیراهه رفتید؛ درحالی‌که قدرت دفاع از من و تأمین خواسته‌ام را دارید. آیا می‌گویید محمد صلی الله علیه و آله و سلم مُرد و همه چیز تمام شد؟! البته که مرگ او مصیبتی بزرگ و رخنه‌ای

جبران ناپذیر بود. با رفتن او، چهرهٔ جهان تاریک شد. در مصیبت فقدانش، ستاره‌ها کم‌نور شدند، آرزوها بر باد رفت، حرمت او هتک شد و به خدا سوگند، این داغ بزرگی است که نظیر ندارد. در قرآن هم که شب و روز در خانه‌هایتان خوانده می‌شود، گفته شده است که: «محمد ﷺ جز پیامبری نیست که مانند انبیای گذشته است. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، به گذشتهٔ جاهلی خود برمی‌گردید؟ هر که رجعت به گذشته کند، به خدا زیان نمی‌رساند و خدا به شاکران پاداش می‌دهد.»^۱

هان ای انصار، آیا با حضور شما، مرا از ارث پدرم محروم کنند؟ شما که هر جا سخنانم را می‌شنوید و خبر دارید، شما که نیرو و نفرات دارید، شما که سلاح و لشکر دارید، پیوسته فراخوان ما به گوشتان می‌رسد و پاسخ نمی‌دهید، ناله و استغاثه را می‌شنوید و کمک نمی‌کنید و به فریاد نمی‌رسید، شما که مردان جنگی هستید و به خیر و صلاح مشهورید، شما برگزیدگانی هستید که با

۱. آل عمران، ۱۴۴: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...﴾

دشمنان جنگیدید، رنج ها کشیدید و با قدرت‌ها و قبیله‌ها درافتادید و دست‌وپنجه نرم کردید و اسلام در سایهٔ زحمات شما جان گرفت و مشرکان شکست خوردند و نعره‌های شرک و دروغ و نفاق خاموش شد. اکنون چه شده که ساکت و حیران شده‌اید و عقب کشیده‌اید و پس از ایمان دچار شرک شده‌اید؟ چرا از خدا نمی‌ترسید؟ چرا به زمین و زندگی چسبیده‌اید و آن را که حق است، کنار زده‌اید و تن‌پرورانه به گوشه‌ای خزیده‌اید و آنچه را گوارا نوشیده و خورده بودید، بالا آورده و قی کرده‌اید؟ بدانید اگر شما و همهٔ اهل زمین هم کافر شوید، خداوند عزّ و جلّ از همهٔ شما بی‌نیاز است و این ننگ بر دامن شما باقی خواهد ماند. خدا در کمین ظالمان است و من شما را از عذاب الهی بیم می‌دهم. منتظر باشید، ما هم منتظریم!

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصَبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ وَ
أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ...



سخنان منطقی و استدلال‌های کوبنده حضرت زهرا علیها السلام روشن‌گر افکار و وجدان‌های خفته شد. اعتراض آن حضرت به عملکرد خلیفه، او را در موضع ضعف قرار داد. می‌بایست چاره‌ای می‌اندیشید و پاسخی می‌داد و توجیه می‌کرد. خواست تا با زبانی نرم، از فاطمه علیها السلام دل‌جویی کند و کار خودش را هم توجیه کند. خطاب به آن بانوی بزرگوار گفت: «ای دختر پیامبر، پدرت با مؤمنان مهربان و با کافران سخت‌گیر و شدید بود. آری، او پدر تو بود، نه پدر زنان دیگر. شما را هر که دشمن بدارد، شقی و بدبخت است. تو ای برترین زنان و ای دختر بهترین پیامبران، راست می‌گویی که خردمندی، ما هم حق تو را نمی‌گیریم. من از توصیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عدول نکرده و جز به‌اذن او کاری نکرده‌ام. شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: 'ما پیامبران مال و باغ و خانه ارث نمی‌گذاریم. میراث ما قرآن و حکمت و علم و نبوت است. ما هر چه داریم، پس از ما به ولی امر

مسلمانان می‌رسد. آنچه گرفته‌ایم را خرج مجاهدان و تهیه اسب و سلاح برای جهاد کفار می‌کنیم. من از پیش خود، چنین نکردم، بلکه به اجماع مسلمانان چنین تصمیمی گرفته شد. فدک در اختیار توس و جلوگیری نمی‌شود. تو سرور زنان امتی، تو را از حقت محروم نمی‌کنیم. آیا فکر می‌کنی در این باره با نظر پدرت مخالفت می‌کنیم؟»

این اظهارات عوام فریبانه، برای کاستن از تأثیر کلام فاطمه علیها السلام بود؛ اما حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ او گفت: «سبحان الله! پدرم که با احکام قرآن مخالفت نمی‌کرد. آیا پس از وفاتش، علیه او توطئه می‌کنید، شبیه فتنه‌هایی که در حال حیاتش کردید؟ قرآن میان ما داوری می‌کند. قرآن از ارث بردن فرزندان آل یعقوب سخن می‌گوید. ارث بردن سلیمان از داود، سهم ارث هر یک از فرزندان و... همه در قرآن هست، شما دروغ‌پردازی می‌کنید.»

ابوبکر باز هم مسئله را از گردن خود دور افکند و گفت: «اینکه مسلمانان میان من و توس، داوری کنند. اینان مسئولیت خلافت را بر عهده من گذاشتند و اگر من چیزی را مصادره کردم، خودخواهانه و با استبداد رأی نبوده، با هماهنگی و نظر مردم بوده است و آنان شاهدند.»

فاطمه علیها السلام دید که سخن گفتن با ابوبکر بی‌فایده است، رو به مردم کرد و با آنان سخن گفت.

۹. توبیخ مهاجران و انصار

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُعْضِيَةَ
عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى
قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا...



فاطمه زهرا علیها السلام پس از نومیادی از خلیفه، توده مردم را مخاطب قرار داد و آن‌ها را عتاب کرد که با بی‌اعتنایی دربارهٔ مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و یاری نکردن حق، ننگی را برای خود خریده‌اند. ایشان فرمود:

ای مردم، ای کسانی که به سرعت سراغ گفتار بیهوده شتافتید و چشم بر عملکرد زشت و زیان‌بار بستید، آیا در قرآن تدبر و اندیشه نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هایتان قفل زده شده است یا آنکه شنوایی و بینایی از شما گرفته شده است؟ چه رفتار بدی کرده‌اید، چشم‌ها و گوش‌ها را از شما گرفتند، ندیدید و نشنیدید و اوضاع را دگرگون کردید. به خدا قسم وقتی پرده‌ها از جلوی چشمتان کنار رود و زیان‌های نهفته بر شما آشکار شود، خواهید دید که پیروان باطل زیان کرده‌اند.

آری، فاطمه علیها السلام آینده تلخ مسلمانان را در این دنیا و فرجام
شوم آخرتشان را می‌دید که چگونه با ترک وظیفه یاری
حق، دچار خسارتی عظیم و عذابی سخت خواهند شد.
هشدارهای فاطمه علیها السلام برای آن بود که شاید وجدان‌ها بیدار
شود و حق تنها و مظلوم نماند.

ثُمَّ عَظَفْتُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَتْ: قَدْ كَانَ بَعْدَكَ
أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ لَوْ كُنْتُ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخُطْبُ...



حضرت زهرا علیها السلام ناامید از یاری مردم و نگران از آینده امت،
درد دل خویش را با پدر بیان کرد و آنچه از سوی امت
بی تعهد پیش آمد، گزارش داد، تا در پرونده تاریخ ثبت
شود. رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد و خطاب به پدر بزرگوارش
چنین گفت:

ای پیامبر خدا، پس از تو، خبرها و حوادث
ناگواری پیش آمد که اگر تو بودی، این
حوادث رخ نمی داد. ما مثل زمین خشکی
هستیم که باران خود را از دست داده و قوم
تو پریشان شده اند. پس از تو، اقوام رازها
و کینه های درون خود را آشکار ساختند و
حرمت اهل بیت تو را نگه نداشتند. پس
از تو، کینه های درونی بیرون ریخت و مردم
با ترش رویی و بدی با ما روبه رو شدند،
ما را سبک کردند، زمینی را که در دست ما

بود، غاصبانه از دست ما بیرون آوردند. ای رسول خدا، تو نوری درخشان از سوی خدای عزیز بودی و کتاب الهی بر تو نازل می‌شد، جبرئیل آیات قرآن را می‌آورد و مایهٔ انس ما بود. اکنون که تو رفته‌ای، همهٔ خیرها از کف رفته است. کاش پیش از تو، مرگ ما را می‌برد. امروز فاصله‌ای میان ما و مصیبت و اندوه نیست و هیچ چیز مانع غم‌ها و غصه‌های ما نمی‌شود....

این‌گونه بود که احتجاج و حق‌خواهی و دادخواهی زهرای مظلوم علیها السلام بی‌جواب ماند و آن ستم تاریخی در تاریخ ماندگار شد و پروندهٔ فدک و خطبهٔ فدکیهٔ حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان سندی ماندگار و افشاگر و به‌عنوان متنی فصیح و بلیغ و پر از حکمت و معرفت باقی ماند.

سلام بر فاطمهٔ مظلوم که سخنان دردمندانه‌اش و حتی قبر پنهانش، روشنگر بسیاری از حقایق است، تا امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بصیرت و معرفت برسند و مدافع حق و یاور ستم‌دیدگان باشند.

مسابقه فرهنگی ندای حق

همراه با ۱۱۰ جایزه ارزانده و متبرک حرم مطهر رضوی

مهلت شرکت در مسابقه: ۱۴۰۴ آذر ۱۴

پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است. به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقه شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه صحیح پرسش‌ها را به صورت عددی ۵ رقمی، از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: ندای حق ۳۲۳۱۴ محمد سیدی

۲. مراجعه به بخش مسابقات سایت haram.razavi.ir

پرسش‌ها

پرسش اول: حضرت فاطمه علیها السلام کدام عمل را عامل تثبیت

اخلاص ذکر کرده‌اند؟

۱. نماز

۲. ایمان

۳. روزه

۴. حج

پرسش دوم: حضرت فاطمه علیها السلام درباره کدام شخصیت

فرمودند «در راه خدا از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسید»؟

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۲. حضرت علی علیه السلام

۳. عمار یاسر

۴. سلمان فارسی

پرسش سوم: حضرت فاطمه علیها السلام در رد این ادعا که

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است «ما پیامبران درهم و دینار به ارث

نمی‌گذاریم.» به کدام شاهد قرآنی استناد کردند؟

۱. ارث‌بردن سلیمان از داوود

۲. ارث‌بردن هارون از موسی

۳. ارث‌بردن یوسف از یعقوب

۴. هیچ‌کدام

پرسش چهارم: براساس متن حضرت زهرا علیها السلام عامل اصلی انحراف مردم را بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه چیزی دانسته اند؟

۱. عدم تلاوت قرآن
۲. دنیاپرستی
۳. ترس از خطرات
۴. زنگارگرفتن دل ها در اثر اعمال بد

پرسش پنجم: حضرت زهرا علیها السلام جامعه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

- را به چه چیزی تشبیه کرده اند؟
۱. کشتی بی ناخدا در طوفان
 ۲. بدنی بدون سر
 ۳. ابر بی باران
 ۴. زمین خشکی که باران خود را از دست داده